

## الگوهای ارتباطی زن و مرد در خانواده با توجه به مضامین اسلامی و روان‌شناسی

رضا عباسی بختیاری<sup>۱</sup>، دکتر سیامک باقریان<sup>۲</sup>، راحیل توکلی<sup>۳</sup>

۱ و ۲. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبران، تبران، ایران ۳. دبیر آموزش و پرورش ناحیه چهار اصفهان

([reza.abbasi.bakhtiari@gmail.com](mailto:reza.abbasi.bakhtiari@gmail.com))

### چکیده:

زن و مرد از نظر بار احساسی دارای گرایش‌ها و تفاوت‌های مختلفی هستند، منحنی سینوسی احساسات در زن‌ها و مردها تغییرات زیادی دارد و امکان مقایسه این دو با هم نیست، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که ذهن اغلب عالمان علوم اجتماعی و روان‌شناسی را به خود مشغول نموده مسأله ارتباط دو جنس و نحوه آن در خانواده می‌باشد. در این میان دین نیز به منزله قانونی که برای زندگی انسان‌ها وضع شده وارد میدان می‌شود و به اظهار نظر می‌پردازد. هدف از این پژوهش، بررسی چالش‌های الگوهای ارتباطی زن و مرد در خانواده با توجه به مضامین اسلامی و روان‌شناسی و ارائه مدلی کاربردی در راستای توسعه و بهبود این روابط با توجه به معیارهای روان‌شناسی و دینی است. در این تحقیق برای بررسی الگوهای ارتباطی زن و مرد در خانواده و تأثیر آن بر جامعه از روش اسنادی و تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای داخلی و خارجی و همچنین از منابع موجود در فضای مجازی بهره برده خواهد شد. در این نگاره پس از بررسی مبانی ارتباط و شیوه‌های آن به چالش‌های الگوهای ارتباطی بین زن و مرد در خانواده با توجه به مضامین اسلامی و روان‌شناسی پرداخته خواهد شد و در پایان مدلی راهبردی برای داشتن روابطی سالم و موثر بین زن و مرد که نظام خانواده را بهبود ببخشد، پیشنهاد می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** زن و مرد، روابط، روان‌شناسی، دین، الگو، خانواده

### مبانی نظری:

زن و مرد اگر به طبیعت یکدیگر توجه نکنند، ممکن است به آسانی، ندانسته و ناخواسته به همسرانشان توهین کنند. زمانی که علم جامعه‌شناسی<sup>۱</sup> آشکارا اعلام می‌کند ازدواج در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی است، شاید بتوان تأمل زیادی در این خصوص داشت و از

<sup>۱</sup>. Sociology

زوایای مختلف آن را مورد بررسی قرار داد، زیرا بسیار شنیده شده که ازدواج، مظهر برخورد فرهنگ<sup>۲</sup> و طبیعت<sup>۳</sup> است، به این صورت که جامعه می‌کوشد طبیعت را مهار کند و آن را به فرهنگ تبدیل نماید و به دلیل همین ویژگی‌هاست که بیان می‌شود میثاق زناشویی<sup>۴</sup> با توجه به زمان و شرایط دوران خودش، دچار دگرگونی‌ها و تغییراتی شده، ولی نفس آن از قدیم الایام یکی بوده است. زن و مرد از نظر بار احساسی دارای گرایشات و تفاوت‌های مختلفی هستند، منحنی سینوسی احساسات در زن‌ها و مرد‌ها تغییرات زیادی دارد و امکان مقایسه این دو با هم نیست، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که ذهن اغلب عالمان علوم اجتماعی و روان‌شناسی<sup>۵</sup> را به خود مشغول نموده مسأله ارتباط دو جنس و نحوه آن می‌باشد. در این میان دین نیز به منزله قانونی که برای زندگی انسان‌ها وضع شده وارد میدان می‌شود و به اظهار نظر می‌پردازد. هدف از این پژوهش، بررسی چالش‌های الگوهای ارتباطی زن و مرد در خانواده با توجه به مضامین اسلامی و روان‌شناسی و ارائه پیشنهاداتی در راستای توسعه و بهبود این روابط با توجه به معیارهای روان‌شناسی و دینی است. در این تحقیق برای بررسی الگوهای ارتباطی زن و مرد در خانواده و تأثیر آن بر جامعه از روش اسنادی و تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای داخلی و خارجی و همچنین از منابع موجود در فضای مجازی بهره برده خواهد شد. در این نگاره پس از بررسی مبانی ارتباط و شیوه‌های آن به چالش‌های الگوهای ارتباطی بین زن و مرد در خانواده با توجه به مضامین اسلامی و روان‌شناسی پرداخته خواهد شد. در پایان راهبردهایی برای داشتن روابطی سالم و موثر بین زن و مرد که نظام خانواده<sup>۶</sup> را بهبود ببخشد، پیشنهادی می‌شود. در خصوص ارتباط زن و مرد در خانواده و تأثیرات آن بر جامعه نظرات مختلفی ذکر شده است، که به طور مثال چند نمونه از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

### (۱) ارتباط بی قید و بند:

شاید هیچ کس نباشد که ارتباط مطلق و بی قید و بند را بپذیرد و صحیح بداند، زیرا هر کسی در زندگی برای خویش حریمی قائل است که دوست ندارد دیگری در آن وارد شود. این حریم‌ها و مرزها از طرف شخص با افراد مختلف تعریف می‌شود و در صورتی که کسی از حد خویش فراتر رود موجبات اعتراض آن شخص را فراهم می‌نماید. بر این اساس، "تجاوز"<sup>۷</sup> نیز - برخلاف تصور موجود - تنها به معنای برقراری ارتباط جنسی نخواهد بود و در صورتی رفتاری نام "تجاوز" به خود می‌گیرد که از حریم و مرزهای تعیین شده توسط شخص فراتر رفته و این عمل بدون رضایت وی صورت گرفته باشد. طبیعی است که این حریم، نسبت به اعضای خانواده نزدیک‌تر به حریم شخصی و هرچه دورتر می‌رویم دورتر می‌شود؛ این بدین معناست که حتی اگر اعضای خانواده که شاید نزدیک‌ترین افراد به هم باشند از حد خویش فراتر روند و در حریم شخصی یکدیگر داخل شوند نیز مورد اعتراض و انتقاد قرار می‌گیرند، از این جهت نمی‌توان ارتباط بی قید را صحیح دانست.

### (۲) ارتباط مقید:

علمای دینی غالباً معتقدند ارتباط باید در حد ضرورت باشد. این نحوه ارتباط هم موجب حفظ حریم‌ها در جامعه می‌شود و هم با وجود آن‌ها، شخص احساس امنیت می‌کند. نیم نگاهی به اوضاع اجتماعی دنیای امروز این مطلب را بر هر کس روشن می‌کند که بسیاری

۲. Culture

۳. Temperament

۴. Marriage

۵. Psychology

۶. Family

۷. Aggression

حریم‌هایی که تا پیش از این بین افراد تعریف شده بود با خواست خود افراد، شکسته و از میان برداشته شده است، اما بسیاری از حریم‌ها هنوز در بسیاری از خانواده‌ها و افراد وجود دارد که باید به رسمیت شناخته شود. مثلاً زن وقتی ازدواج می‌کند بین خود و دیگران مرزهای جدیدی می‌کشد و برخی مرزهای پیشین را جا بجا می‌کند. مرد نیز بعد از ازدواج به چنین عملی دست می‌زند. این مرزها باید از سوی دیگر افراد به رسمیت شناخته شوند. گاهی این مرزها در گروه‌ها و طبقات اجتماعی خاص، عقب‌تر یا جلوتر از مرزهای عمومی جامعه است، اما آنچه حائز اهمیت است این است که در برخورد با هر کسی از مرز تعریف شده او نباید فراتر رفت. یکی از دلایلی که معتقدین به "ارتباط در حد ضرورت" بر اثبات نظرشان می‌آورند خطرناکی است که ممکن است در صورت عدم رعایت این نحوه ارتباط متوجه طرفین شود که از ناراحتی‌های روانی و تضعیف مبانی دینی و مذهبی گرفته تا از هم پاشیدن زندگی‌ها و گسستگی نظام خانوادگی. غالب روان‌شناسان به این معترفند که اگر برخوردی یا ارتباطی با کسی غیر از همسر، به از هم گسیختن نظام خانوادگی منجر شود، علت را باید در روابط بین زوجین در همان خانواده و نحوه تربیت ایشان در خانواده خویش پیش از ازدواج و اختلافات فرهنگی و اعتقادی و زمینه‌های متفاوت رشد ایشان دانست. دکتر کارپمن<sup>8</sup> و دکتر اریک برن<sup>9</sup> در مورد این مسأله که چرا افراد مجرد و متأهل از روابطی معنادار و شادی‌بخش بهره‌مند نیستند، تحقیق کردند؛ آن‌ها در مورد این موضوع اتفاق نظر داشتند که بسیاری از زوجها نمی‌توانند راجع به مشکلات خود با یکدیگر صحبت کنند، آن‌ها نمی‌توانند خواسته‌های خود را در قالب جملاتی صریح و روشن بیان نمایند. دکتر کارپمن می‌گوید: «آن‌ها باید بیاموزند که احساسات درونی خود را پیدا کنند و بدانند که واقعاً چه چیزی می‌خواهند و بعد از آن خواسته‌ها را ابراز نمایند بدین ترتیب بسیاری از مشکلات آن‌ها حل خواهد شد»، هدف در این‌جا ایجاد صمیمیت در روابط است. هر رابطه‌ای گنجینه‌ای از امیدها و آرزوهاست، تحقیقات نشان می‌دهد که مخرب‌ترین نبردها و کشمکش‌ها با نیت خیر شروع می‌شوند، این نیت خیر پایه و اساس گنجینه‌ای از امیدها و آرزوهای نهفته‌ای را پی‌ریزند که برای رسیدن به روابط شادی بخش و سعادتمند کافی هستند. چون بیشتر ما در روابط خود مشکل داریم بر این گمان هستیم که همسرمان در رفتارش باید تغییراتی ایجاد کند و نه خود ما، اما غالباً متوجه نیستیم که ما کنترلی بر رفتار همسرمان نداریم و در نتیجه‌ی چنین ناآگاهی، دچار ناامیدی می‌شویم؛ ناامیدی درباره بهبود روابطمان اما اگر او تغییر کند، همه چیز بر وفق مراد خواهد شد؛ البته موفقیت زمانی است که به این واقعیت برسیم که با ایجاد کم‌ترین تغییر در خود می‌توانیم تأثیر بزرگ و تغییرات مثبتی به وجود آوریم تا ما را نسبت به همسرمان خوش‌بین‌تر و پذیرا تر کند. آنچه موجب اختلاف بین زوجها می‌شود، مشکلات نیست بلکه نحوه برخورد با مشکلات است که مسأله ساز است. بسیاری از همسران تصور می‌کنند که اختلافات موجود در روابطشان معلول تفاوت‌هایی است که با همسرانشان دارند. بارها و بارها چنین سخنانی را از زبان بسیاری از زن و شوهرها شنیده‌ایم که ما با هم تفاهم نداریم؛ همسر ما بیرون رفتن علاقه دارد، ولی من دوست دارم در خانه بمانم، یا زنم زود می‌خوابد، اما من شب زنده داری را دوست دارم، این‌گونه استدلال‌ها، تلاش‌های معقول و قابل قبولی برای توجیه ناکامی‌هاست، اما زن و شوهرهایی که روابط موفق و شادمانه‌ای با هم دارند، به جای پرداختن به موضوعاتی که در مورد آن‌ها اتفاق نظر دارند یا ندارند، بیشتر می‌کوشند تا مهارت‌های شنیداری خوبی در خود ایجاد کنند، چنین مهارت‌هایی هیچ‌گونه نقش یا تأثیری در توافق اجباری، تحمیلی یا پند و اندرز دادن به یکدیگر ندارند. لازمه داشتن مهارت‌های شنیداری، شناخت و پذیرش تفاوت‌های شخصیتی و ذوق و سلیقه فردی است. داشتن یک شنونده خوب یعنی داشتن یک دوست خوب، در یک رابطه زناشویی موفق هر یک از دو طرف دیگری را یک قاضی یا مشاور خوب برای خود نمی‌داند بلکه همسرش را دوست صمیمی خود می‌پندارد. جامعه سالم جامعه‌ای است که روابط زن و مرد از حالت تابو و منطقه ممنوعه خارج شده باشد و آنقدر این روابط حالت عادی و طبیعی به خود گرفته باشد که نگاه جنسی و تصاحب طلبانه در آن راه پیدا نکند و طرفین به یکدیگر نه به چشم زن یا مرد بلکه به چشم یک انسان نگاه کنند و رفتارهای خویش را بر این بنیان پایه گذاری کنند، بنابراین چنین رویدادهایی مانند دیگر اتفاقات اجتماعی، اتفاقی "زمان بر"

<sup>8</sup>. Carpmann

<sup>9</sup>. Erik Born

است و راندی باید طی شود تا جامعه به این مرحله از رشد برسد. قرآن کریم بیان می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، و از نشانه‌های او (خدا) این که از انواع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا با آنها آرام بگیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد؛ آری، در این (نعمت) برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است، (سوره روم آیه ۲۱). طبیعی‌ترین شکل خانواده، این است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد و میان زن و شوهر جدایی بیفکند. کوشش مصلحان جامعه - به خصوص پیامبران خدا - این بوده است که نظام خانواده، یک نظام مستحکم و پایدار باشد و هیچ عاملی نتواند این کانون سعادت را متلاشی گرداند.

### بحث:

به نظر می‌رسد که زنان و مردان همواره از شیوه‌های ارتباطی یکسانی استفاده نمی‌کنند و به همین خاطر گرفتار مشکلات ارتباطی می‌شوند. مردان بیشتر از اظهارات قاطع، آمرانه و قدرت نمایانه استفاده می‌کنند و اطلاعات فردی خود را ارائه می‌دهند و هدف آنان از گفتگو حفظ پایگاه شخصی است در حالی که زنان بیشتر از کلمات آزمایشی و تاییدجویی استفاده می‌کنند، حمایت عاطفی ارائه می‌دهند و هدف آنان از گفتگو برقراری و حفظ ارتباط است. زنان بیشتر از الگوی آهنگی، تعجب، بشاشت و ادب استفاده می‌کنند و میزان پایبندی آنان به درستی کلمات بیشتر است، مردان بیشتر از زنان صحبت شخص مقابل را قطع می‌کنند و این که با کمال تعجب مردان بیشتر از زنان در گروه صحبت می‌کنند. زنان نسبت به پیام‌های غیر کلامی حساس‌تر هستند و پیام‌های صمیمانه‌تری را منتقل می‌کنند. متأسفانه زن و مرد هیچ گونه اطلاع یا توافقی بر سر قوانین یا مهارت‌های لازم در برخورد با احساسات منفی شدید که در زندگی زناشویی پیش می‌آید و اجتناب ناپذیر هم هستند، ندارند. هنگام بروز اختلاف و ندانستن چنین قوانین و مهارت‌هایی، زن و شوهرها غالباً متوسل به رویارویی و انتقادهای مستقیم می‌شوند، چنین شیوه برخوردی می‌تواند به طرف مقابل آسیب جدی برساند. همسران به جای این که یاد بگیرند خودشان بر اختلاف نظرها و کشمکش‌ها فایق آیند، اجازه می‌دهند تا اختلافات پیش آمده، آنها را تحت کنترل خود گیرند. روان‌شناسان دینی تعاریفی را برای روابط سالم زن و مرد در نظام خانواده برشمرده‌اند، به طور مثال چند نمونه از این تعاریف که ساختار خانواده از آن متأثر می‌گردد، بیان می‌شود:

الف) رابطه زن و شوهر، رابطه عاشق و معشوق و ایثار است.

ب) رابطه زن و شوهر، به قدمت خلقت آدم، به قداست متعالی‌ترین ارزش‌ها، به عظمت گستره هستی، به برکت همه نسل‌ها در همه عصرها و تجلی‌گر اولین تعامل حقه انسان‌هاست.

ج) رابطه زن و شوهر، رابطه مهرورزی و محبت‌پذیری، عهد و وفا، سخاوت و احسان، مودت و مروت، صداقت و درستی، خورشید و نور، چشمه و آب، پرنده و بال، اوج و پرواز، دل و دلداری، چشم و نگاه، چراغ و روشنی، باغ و باغبان، گل و گل‌دان، سبزه و بهار، گلبرگ و ریحان، انگشتر و نگین، رحمت و نعمت و سرانجام مثالی از رابطه علی(ع) و فاطمه(س) است.

د) رابطه زن و شوهر، یعنی برخوردار شدن از آراسته‌ترین، گران‌بهارترین، زیباترین، راحت‌ترین، پردوام‌ترین و گرمابخش‌ترین تن‌پوش‌ها، آری، رابطه زن و شوهر به فرموده خالق انسان‌ها همچون رابطه قامت و لباس است، و این لباس گرمابخش جسم و جان، معناگر حیات و جلوه‌گر وحدت است.

ه) رابطه زن و شوهر موفق به گونه‌ای است که در آن زبان تهدید، تنبیه، تحقیر و تخریب شخصیت جایی ندارد، هر چه هست زبان محبت، شجاعت و عدالت، شکر و سپاس و تایید و تکریم است.

و) محور رابطه زن و شوهری که در اندیشه اداره و ادامه یک زندگی پویا، مولد و پربرکت هستند، همدلی و یکرنگی، صبوری و خویشتن‌داری است.

ز) برای برقراری و استمرار رابطه<sup>۱۰</sup> پردوام، پر برکت و مسرت‌بخش میان زن و شوهر و پیشگیری از سردی‌ها و سردمزاجی‌ها، بدبینی و سوءظن‌ها و قهر و ستیزهای خانوادگی، هم زن و هم شوهر باید به خاطر داشته باشند که همچون دوران تجرد نمی‌توانند به لحاظ وابستگی‌های عاطفی، بخش قابل توجهی از وقت، فکر و احساس خود را به مادر و خواهر، پدر و برادر و ... اختصاص دهند.

ح) در یک زندگی مشترک<sup>۱۱</sup> موفق، زن و شوهر فهیم، همه سعی و تلاش خود را در جهت جلب رضایت خاطر و فراهم ساختن آسایش و آرامش روان و نشاط درونی یکدیگر مبذول می‌دارند و از این رو ضمن ابراز محبت نسبت به خویشان و تکریم شخصیت ایشان به رسالت و مسوولیت خطیر «همسری»<sup>۱۲</sup> اندیشیده، محبت و عطوفت خود را در همه حال تقدیم به «همسر» می‌نمایند.

هر رابطه و ارتباط با دیگری که بر اساس ارزیابی منطقی و روان‌شناختی بر رابطه گرم و صمیمی و پیوند عاطفی زن و شوهر خدش‌های وارد نماید، باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و به طور قطع با نگرشی جامع و احساس مسوولیت، در آن تعدیلی صورت پذیرد، ولو اینکه این رابطه با پدر و مادر و خواهر و برادر باشد. با بررسی در زندگی بزرگان و علمای دینی، متوجه خواهیم شد، اصول روابط صحیح رعایت شده و احترام، متقابل بوده است. همسر بزرگوار امام خمینی قدس سره در مورد نحوه برخورد حضرت امام (ره) با ایشان می‌گوید: «حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند ... امام حتی در اوج عصبانیت هرگز بی‌احترامی نمی‌کردند. (امام در هنگام ناهار یا شام) غذا را شروع نمی‌کردند؛ به بچه‌ها هم می‌گفتند: صبر کنید تا خانم بیایند ... حضرت امام [کارهای خانه] جارو کردن و ظرف شستن و حتی شستن روسری بچه خودمان را هم وظیفه من نمی‌دانستند و اگر به جهت نیاز گاهی به این کارها دست می‌زدند، ناراحت می‌شدند و آن را به حساب نوعی اجحاف نسبت به من می‌گذاشتند. امام در مسایل خصوصی زندگی من دخالت نمی‌کردند... هر طوری که دوست داشتیم زندگی می‌کردم، به رفت و آمد با دوستانم کاری نداشتند».

### مدلی پیشنهادی برای ارتباط زن و مرد در خانواده با توجه به مضامین اسلامی و روان‌شناسی:

الف) زمانی را برای صحبت کردن برای همسر اختصاص دهید، همسران پرمشغله اصولاً از محبت کردن غافل می‌شوند. در نهایت از نظر احساس فاصله‌ای میان آن‌ها ایجاد می‌شود و پر کردن این خلاء کاری دشوار است. بهترین راه حل برای جلوگیری از این فاصله، اختصاص روزانه چند دقیقه برای صحبت کردن و زمانی بیشتر در طول هفته می‌باشد به ویژه وقتی مرد وارد خانه می‌شود و اگر زن خانه‌دار باشد بسیار نیاز دارد که شوهرش به حرف‌های او گوش دهد و مرد هم باید با توجه به حرف‌های همسرش گوش دهد و این مسأله به ظاهر کوچک نقش مهمی در تحکیم روابط زن و شوهر دارد.

ب) عفو کثیر از صفات خداوند است که مؤمنان نیز به این صفت الهی سفارش شده‌اند و در نظام خانواده بیشترین سفارش اسلام برای زن و مرد اغماض از لغزش‌های دیگران است. گذشت در برابر لغزش‌ها، برای افرادی که مدت‌ها با یکدیگر زندگی می‌کنند و در این امور منافع واحدی دارند سر زدن لغزش و اشتباه و خطا امری عادی و متعارف است؛ بنابراین لازم است با عفو و گذشت از خطاها و اشتباهات یکدیگر چشم پوشی نمایند و آن‌ها را به رخ طرف مقابل نکنند. زن و شوهر در برابر کلمات تند و خشنی که احياناً به خاطر شرایط خاص که برای هر کدام ممکن است پیش آید از طرف مقابل می‌شنوند باید با متانت و سعه‌صدر با آن روبرو شوند.

ج) نسبت به هم صداقت داشته باشید، صداقت زیربنای زندگی است و همه صفات عالیه در آن نهفته است. صداقت نهایت شکوفایی عزت و پایه‌ای در زندگی یک زن و شوهر است. عدم صداقت، دورویی و نفاق آفت بزرگ خانواده است که زن و شوهر می‌توانند از روز اول با عهد و پیمان بر این که زیر بنای زندگی‌شان صداقت باشد، این آفت را دور کنند.

<sup>10</sup>. Relevancy

<sup>11</sup>. Common

<sup>12</sup>. Conjoin

د) افراد به یکدیگر اعتماد داشته باشند و از این اعتماد سوء استفاده نکنند، اعتماد را یکی از پایدارترین ویژگی ازدواج موفق و خانواده موفق می‌دانند.

ه) با هم متحد و یکدل باشند و در مسائل مختلف با گفتگو و مشورت به تفاهم برسند و سعی کنند اگر سوء تفاهم به وجود آمد، آن را در درون خود بدون این که کسی بفهمد حل کنند. امیر المومنین علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «هیچ پشتیبانی بهتر از مشورت نیست.» (و) برای ارتباط مثبت و تأثیر گذار زن و مرد در ساختار خانواده هر دو می‌بایست به اصل مهم عذرخواهی در خطا اعتقاد داشته باشند، روان‌شناسان معتقدند عذرخواهی می‌بایست متناسب با میزان جرم و خطا باشد، تا بهترین نتیجه حاصل گردد و زن و شوهر با پذیرفتن عذرخواهی هم باعث بالندگی و بهبود روابطشان خواهند شد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند اهل مداراست و مدارا را دوست دارد» (جهادالنفوس، ج، ۲۸۱).

### نتیجه گیری:

جهان هستی و خلقت بر زوجیت استوار شده است؛ زوجیت قانون حیات و بقاست. در میان انسان‌ها حساس‌ترین انتخاب در طول زندگی، انتخاب همسر است که بر اساس آن نهاد خانواده شکل می‌گیرد. والاترین هدف و کارکرد خانواده تکمیل هویت و تأمین آرامش همسران است. خداوند وقتی که به مسایل زناشویی می‌رسد، می‌فرماید: «وجود زن برای لذت نیست، وجود زن برای دو نکته اساسی است، یکی اینکه مرد با وجود او آرامش یابد و متقابلاً او نیز از وجود مرد، آرامش بگیرد و دیگر اینکه نسل آینده نیز تأمین گردد»، بدین خاطر، هر وقت سخن از زناشویی است، یا به هر دو نکته اشاره می‌کند یا به یکی از آن دو، خداوند می‌فرماید: «هَنْ لِبَاسٍ لِّكُم و انتم لباس لهنَّ» در این آیه کریمه فرمود: «رابطه زن و شوهر، رابطه پوشاک است، یعنی زن و شوهر آبروی یکدیگر را حفظ می‌کنند، نه به مرد، می‌توان گفت میل نداشته باشد، و نه می‌توان جلوی میل او را باز گذاشت، بلکه باید آن را مهار کرد، مثل اینکه انسان لباس را می‌بندد». لباس، پوشاکی است که انسان را حفظ می‌کند و اعضای بدن با خود لباس در تماس هستند، ولی با بیرون لباس، در تماس نیستند. نکته مهم‌تر اینکه همان طور که لباس، آبروی بدن را حفظ می‌کند، زن و مرد نیز آبروی اجتماعی یکدیگر را حفظ می‌کنند و همان طور که رابطه لباس و صاحب لباس، یک رابطه تنگاتنگی است که بیگانه، در آن راه ندارد، رابطه زن و شوهر نیز همین طور است، تا اسرار خانوادگی از خانه بیرون نرود. تشبیه لباس، بهترین تشبیه در این زمینه است، انسانی که لباس دارد، انسانی که پوشاننده دارد، آرامش خاطر خواهد داشت. در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم، وقتی خداوند جریان همسران را ذکر می‌کند، فرمود: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...» در زبان فارسی، آن کلمه‌ای که مطابق با لغت فصیح قرآن باشد، کلمه زوج است نه زوجه، چرا که در قرآن کریم به زن، زوجه اطلاق نشده بلکه زوج اطلاق شده است. هم مرد زوج زن است و هم زن زوج مرد.

### منابع:

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام

- ۳- احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه‌السادات (۱۳۷۱)، علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان شناسی جدید، انتشارات امیر کبیر.
- ۴- احدی، حسن و بنی جمالی، شکوه‌السادات (۱۳۶۶)، روان شناسی رشد، چاپ سنوبر.
- ۵- احمدی، جمشید (۱۳۶۹)، هیجان، احساس و ارتباط غیر کلامی، انتشارات راه‌گشا.
- ۶- ایروانی، محمود و خدا پناهی، محمد کریم (۱۳۷۴)، روان‌شناسی احساس و ادراک، انتشارات سمت.
- ۷- پروین، لارنس ای (۱۳۷۴)، روان‌شناسی شخصیت، نظریه و تحقیق، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۸- شاملو، سعید (۱۳۷۷)، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، انتشارات رشد.
- ۹- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۳)، روان‌شناسی رشد بزرگسالان، انتشارات پیام آزادی.
- ۱۰- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۰)، روان‌شناسی عمومی، انتشارات توس.
- ۱۱- محی‌الدین بناب، مهدی (۱۳۷۴)، روان‌شناسی احساس و ادراک، نشر دانا.

12. Coleman, J.C., (1975) , Abnormal Psychology and modern life, D.B. Taraporevala Sons & Co.

13. Davidson, J.R., & Tupler, L.A., & Potts, N.L.S., (1994) , Treatment of social phobia with benzodiazepines, The Journal of clinical psychiatry, 55 (supplement).